

تحلیل فقهی - حقوقی فاضل دیه

با تأکید بر مقررات مربوط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

* حسن مرادی *

۲۹

تحلیل فقهی - حقوقی فاضل دیه با تأکید بر مقررات مربوط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

چکیده

جنایت عمدی اولاً و بالذات موجب قصاص است. از ویژگی های ذاتی قصاص، برابری جنایت و مکافات است. در نتیجه در صورت نابرابری ارزش دیاتی (اعتباری) جانی و مجنی علیه، بدو برقراری موازنه میان این دو کفه ضروری است. قانون مجازات اسلامی به پیروی از قول مشهور فقهای امامیه برای تأمین این اصل، پرداخت فاضل دیه قبل از اجرای قصاص را پیشبینی نموده است. با این وجود، ممکن است ولی دم برای پرداخت مابه‌التفاوت دیه، از تمکن مالی لازم برخوردار نبوده یا از آن تمکین ننماید. بروز هر یک از این دو حالت، چالشهایی را برای مجریان احکام کیفری به همراه داشته و امکان سکوت حکمی را مطرح ساخته است. در این مقاله، ضمن نقد و بررسی آرای فقهی مربوط به موضوع و تبیین رویکردهای اتخاذ شده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با استظهار به منابع فقهی برای رفع خلاء های قانونی در این زمینه، چند پیشنهاد اصلاحی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: قصاص، فاضل دیه، ولی دم، بیت المال، قانون مجازات اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۱/۲

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی (ره) (hmoradi۳۸@yahoo.com)

۱. مقدمه

حقوقدانان اسلامی در مقام بیان مجازات‌های شرعی، آنها را به چهار و به قولی پنج قسم، شامل: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات و کفارات تقسیم می‌نمایند. (منتظری، ۱۴۰۹، ۴۳۳/۲) هر یک از این مجازات‌ها دارای ویژگی‌هایی می‌باشند که در جای خود به تفصیل از آنها سخن رفته است. در «حدود»، نوع و میزان و کیفیت مجازات مقرره اعم از حبس، شلاق، قتل، قطع، نفی، جز و... شرعاً موضوعیت داشته و حاکم، حق دخل و تصرف در آن را ندارد و نمی‌تواند جز در موارد منصوصه «چیزی بر آن بیفزاید و یا از آن بکاهد و یا آن را به مجازات دیگری تبدیل کند و یا اجرای آن را متوقف سازد.» (عبدالعزیز عامر، ۱۳۷۷، ۴۵) قصاص، مجازات جرایم عمدی علیه حیات یا تمامیت جسمانی اشخاص است و باید با جنایت جانی برابر باشد. رعایت مماثلت در آن الزامی است. همچنین، دیه مالی است که از سوی شارع به سبب جنایت بر عضو یا نفس تعیین و باید حسب مورد به مجنی‌علیه یا ولی یا اولیاء دم او پرداخت شود. بخش عمده‌ای از مجازات‌های اسلامی، به اعتبار جرائم ارتكابی به حوزه تعزیرات منصوص و غیر منصوص شرعی مربوط می‌گردد. هر آنچه از حوزه حدود، قصاص و دیات خارج است، داخل در تعزیرات اسلامی است.

اجرای قصاص، مستلزم تحقق پاره‌ای شرایط ماهوی یا ثبوتی و شکلی یا اجرائی

است. از جمله شرایط شکلی قصاص، پرداخت فاضل دیه، قبل از اجرای آن در برخی موارد است. توضیح اینکه ارزش دیاتی همه انسان‌ها و نیز اعضاء و جوارح آنان با یکدیگر برابر نیستند؛ در نتیجه، در پاره‌ای از موارد اجرای قصاص، به رغم فراهم بودن کلیه شرایط، مستلزم پرداخت فاضل دیه (مابه التفاوت دیه) می‌باشد.

مقصود از عبارت «فاضل دیه» در کلمات فقها، مقدار مازاد بر دیه جانی یا جانیان در فرض متفاوت بودن دیه آنان با دیه مجنی علیه می‌باشد، مانند جایی که مقتول یک مرد و قاتلین دو نفر (مرد) یا بیشتر باشند. در این صورت، برای قصاص همه قاتلان عمدی، ولی مقتول باید بدو مقدار فزونی دیه دو مرد نسبت به یک مرد را به قاتلین پرداخت نماید. همچنین مطابق قوانین مجازات اسلامی مصوب پس از پیروزی انقلاب، به پیروی از فقه امامیه، دیه زن مسلمان نصف دیه مرد مسلمان تعیین شده است. در نتیجه اگر مردی عمداً زنی را به قتل رساند، چنانچه اولیای دم (زن) بخواهند قاتل (مرد) را قصاص نمایند باید ابتدا نصف دیه کامل را که مازاد بر دیه زن است به مرد بدهند، سپس او را قصاص کنند. حکم یاد شده در قصاص اعضا نیز جاری است. در نتیجه اگر دیه جنایت وارده بر اعضاء و جوارح جانی بیش از دیه عضو مجنی علیه باشد، وی در صورتی می‌تواند قصاص کند که ابتدا مابه التفاوت دیه را به مقتص منه پرداخت نماید. اما آیا این پرداخت باید لزوماً پیش از قصاص انجام گیرد؟ در این صورت اگر اولیای دم تمکن مالی نداشتند یا نسبت به پرداخت آن تمکن نکردند تکلیف حق قصاص چه می‌شود؟ آیا جانی باید تا حصول تمکن مالی ولی دم زندانی شود؟ اگر امیدی به تمکن مالی او نبود چه باید کرد؟ در هر حال، لزوم پرداخت نصف دیه مرد توسط ولی دم زن، آن هم پیش از اجرای قصاص، در موارد مختلف و از جنبه‌های گوناگون باعث بروز مشکلات عملی گردیده و باب اعتراضات را به مجامع علمی و غیرعلمی گشوده است.

در این نوشتار با توجه به دیدگاه‌های فقهی، فروض مختلف موضوع مورد بررسی واقع و با تمرکز بر قصاص مرد مسلمان در ازای زن مسلمان، تحلیل فقهی - حقوقی از موضع قانونگذار ایران ارائه شده است.

۲. الزام یا اختیار در پرداخت فاضل دیه

به رغم آن که در کلیه مذاهب اسلامی، دیه مرد دو برابر دیه زن می باشد (عوده، ۱۴۱۳، ۱۸۳) معهذا قصاص مرد در قبال زن جایز شناخته شده است. با این تفاوت که در مذهب امامیه، قصاص مرد مستلزم پرداخت نصف دیه مرد از سوی اولیای زن، قبل از اجرای قصاص می‌باشد؛ در حالی که از دیدگاه عامه، نیازی به پرداخت فاضل دیه نمی‌باشد؛ زیرا آنان معتقدند خون مسلمین با یکدیگر برابر است. بعلاوه، قصاص با دیه قابل جمع نیست (همان، ۱۸۲) و عدم امکان قصاص مرد، به ازای زن موجب فتنه و فساد است و پیامبر گرامی اسلام نیز در نامه خود به عمرو بن حزم نوشت «همانا مرد در قبال کشتن زن، کشته می‌شود» (عبدالرحمن الجزیری، بی تا، ۲۸۷/۴). به این ترتیب در میان اهل سنت به استناد آیه شریفه «النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...» و «الْحَرُّ بِالْحَرِّ...» و حدیث «المُسلِمُونَ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ» قصاص میان زن و مرد به طور مطلق و بدون هر گونه تبعیض و تمایز و از جمله بدون نیاز به پرداخت فاضل دیه به رسمیت شناخته شده است.

دلایل عمده فقهای امامیه، علاوه بر اجماع (محصل و منقول) و آیات شریفه «النَّفْسَ بِالنَّفْسِ» و «وَالْجُرُوحِ قِصَاصٌ» و «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ»، روایات صحیح و مستفیضی می‌باشد که در این رابطه از معصومین علیهم السلام وارد شده است که بر اساس آنها، قصاص میان زن و مرد، البته معلق به پرداخت فاضل دیه جایز شناخته شده است. از جمله روایات وارده، صحیحه ابی بصیر از احد از امامین صادق یا

۱. إِنَّ الرَّجُلَ يُقْتَلُ بِالْمَرْأَةِ

باقر (ع) است که اشعار می‌دارد «عرض کردم مردی زنی را [به عمد] کشته است. پس فرمود: اگر اولیای زن، خواهان قصاص مرد باشند نصف دیه اش را می‌پردازند و قصاصش می‌کنند؛ و آلاً دیه دریافت می‌کنند.»^۱ همچنین صحیح‌ه حلبی از امام صادق(ع) است درباره مردی که زنی را به عمد کشته بود و اولیای زن خواهان قصاص بودند؛ فرمود: «استیفای قصاص برای ایشان است به شرطی که نصف دیه را به خانواده قاتل بپردازند.»^۲ (عاملی، ۱۴۱۶، ۶۰/۴-۵۹) در مقابل احادیث یاد شده، که از میان احادیث متعدد در این زمینه انتخاب شده است، روایت سکونی از امام صادق(ع) قرار دارد که فرموده‌اند: «امیرالمؤمنین علی (ع) مردی را به سبب آن که زنی را به عمد کشته بود، قصاص کردند...»^۳ (همان، ۶۲-۶۱). بنابراین در حدیث مذکور، صحبتی از رد فاضل دیه نشده است؛ لیکن فقها به روایت اخیر استناد نکرده‌اند و اظهار داشته‌اند: روایاتی که قصاص مرد را به پرداخت فاضل دیه منوط می‌کند، از جهت قوت دلالت و صحت سند، بر روایت اخیرالذکر برتری دارند؛ ضمن اینکه روایت اخیر به فرض صحت سند، قابل تأویل بر موردی است که فاضل دیه پرداخت گردد (عاملی، همان، ۸۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۷/۱۹۹؛ خویی، ۱۳۹۶، ۲/۳۵). البته در سالهای اخیر برخی از فقهای معاصر، روایت سکونی را بر روایات دسته نخست مقدم داشته‌اند؛ زیرا معتقدند روایت سکونی موافق با کتاب است و روایات مورد استناد اکثر فقها، مخالف با کتاب می‌باشند؛ لذا به برابری زن و مرد در قصاص معتقد شده‌اند (صانعی، ۱۳۸۲، ۸۹). در مجموع، اصل جواز قصاص مرد به ازای قتل زن، علی‌رغم مضاعف بودن دیه مرد نسبت به دیه زن، مورد اتفاق تمامی مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی است.

۱. قلت له: رجل قتل امرأة، فقال: إن أراد أهل المرأة أن يقتلوه أدوا نصف ديتها و قتلوه و آلاً قبلوا الدية

۲. ذاك لهم إذا ادوا إلى أهله نصف الدية

۳. أن أمير المؤمنين علي (ع) قتل رجلاً بامرأة قتلها عمداً...

علیرغم اتفاق فقهای اسلامی در زمینه جواز قصاص مرد در قبال قتل زن، دیدگاه فقهای امامیه در خصوص لزوم پرداخت فاضل دیه، پیش از قصاص در این حالت، مختلف است. مشهور معتقدند: مطابق اصل اولیه، قتل عمدی اولاً و بالذات موجب قصاص است؛ در نتیجه اولیای زن تنها از حق قصاص قاتل، با پرداخت فاضل دیه برخوردار می باشند و مادام که آن را نپرداخته اند، حق قصاص ندارند و در عین حال نمی توانند جانی را به پرداخت دیه وادار کنند. در حالی که عده‌ای دیگر از فقها عقیده دارند در هر کجا که اجرای قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه است، اولیای دم به نحو تخییر، همزمان از دو حق برخوردارند؛ بدین صورت که یا پس از پرداخت فاضل دیه قاتل را قصاص کنند یا او را به پرداخت دیه مقتول وادار نمایند. برخی دیگر نیز قائل به تفصیل شده و معتقدند که اولیای دم به شرط اعسار، از حق مطالبه دیه برخوردارند؛ و الاً صرفاً می توانند جانی را با پرداخت فاضل دیه قصاص کنند یا او را بلاعوض مورد عفو قرار دهند و در صورت مطالبه دیه، رضایت جانی نیز لازم است که ذیلاً به بررسی آراء مزبور می پردازیم.

۱-۲. قصاص به شرط پرداخت فاضل دیه

مشهور فقهای امامیه معتقدند در کلیه مواردی که استیفای قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه است، اولیای دم تنها می توانند حسب مورد، قاتل یا قاتلین را با پرداخت مابه التفاوت دیه قصاص کنند یا او را عفو نمایند یا با رضایت وی، به دیه قانونی یا کمتر و بیشتر از آن مصالحه نمایند و مادام که مابه التفاوت دیه را نپرداخته اند حق استیفای قصاص را ندارند (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ۷۳۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۶، ۱۴۵/۵؛ طوسی، ۱۳۷۸، ۱۳/۷؛ محقق حلی، ۱۳۸۹، ۴/۲۰۵-۲۰۴؛ موسوی خمینی، بی تا، ۲/۵۱۹؛ فاضل لنگرانی، ۱۴۰۷، ۶-۹۵ و مدنی کاشانی، ۱۴۱۰، ۴۰). بنابراین اگر اولیای دم قادر به پرداخت فاضل دیه نباشند یا

حاضر به پرداخت آن نشوند نمی‌تواند قاتل را قصاص کنند؛ زیرا «اصل در قتل عمدی قصاص است و دیه جز با تراضی و مصالحه میان قاتل و ولی دم ثابت نمی‌شود و اگر قاتل حاضر به مصالحه نباشد باید قصاص تا رفع تنگدستی اولیای دم به تأخیر افتد و چنین حکمی باعث از بین رفتن خون مسلمان نمی‌باشد». (نجفی، ۱۳۷۴، ۸۲/۴۲) مهمترین دلایلی که فقهای امامیه به استناد آن معتقدند قصاص مرد مسلمان در مقابل زن مسلمان منوط به پرداخت فاضل دیه است علاوه بر آیات شریفه قرآن کریم، روایات متعدد صحیح‌السند و تام‌الدلاله‌ای است که قصاص مرد را مشروط به پرداخت نصف دیه از سوی اولیاء دم زن می‌داند.

۲-۲. تخییر در قصاص با پرداخت فاضل دیه یا الزام به پرداخت دیه؛ مطلقاً

عده‌ای دیگر از فقها با استظهار به پاره‌ای از روایات وارده از معصومین (ع) و در جهت جلوگیری از اسقاط حق، هدر رفتن خون مسلمان و دفع ضرر از اولیای دم به نحو علی‌الاطلاق، معتقدند اولیای دم می‌توانند قاتل را با پرداخت فاضل دیه قصاص کنند یا او را به پرداخت دیه وادار نمایند؛ اعم از این که خود تمکن مالی برای پرداخت فاضل دیه را داشته یا نداشته و اعم از این که جانی به پرداخت آن راضی باشد یا نباشد (ابن فهد حلی، ۱۴۱۳، ۲۵۱/۵-۲۴۹؛ فاضل هندی، بی تا، ۴۴۶/۲؛ علامه خویی، ۱۴۱۷، ۲۸/۲ و تبریزی، ۱۴۱۹، ۸۰). به عنوان نمونه، طبق نظر آیت الله خویی ذیل عنوان مشارکت حیوان و انسان در قتل انسان، «هنگامی که ولی دم جز با پرداخت نصف دیه حق قصاص ندارد، قصاص بر وی متعین نیست تا ملزم به پرداخت نصف دیه باشد؛ مثل اینکه مردی زنی را بکشد، که در این صورت، اگر ولی زن بخواهد قصاص کند، باید نصف دیه را به اولیای قصاص شونده بپردازد، اما وی ملزم و مجبور به این کار نیست، بلکه حق دارد از قاتل دیه بگیرد. روایات بر این مطلب دلالت می‌کنند، علاوه بر این

که اگر در این گونه موارد، ولی دم نتواند مطالبه دیه کند، لازم می‌آید که در برخی موارد خون مسلمان هدر رود؛ زیرا مفروض آن است که ولی دم، قدرت پرداخت نصف دیه را به قاتل ندارد و قاتل نیز به پرداخت دیه و مصالحه حاضر نیست» (خویی، همان، ۲۸). مؤید این قول صحیحۀ حلبی از امام صادق(ع) است که در آن آمده است: «امام صادق(ع) در مورد ده نفر که یک مرد را [به عمد] کشته بودند فرمود: به اولیای مقتول اجازه داده می‌شود هر کدام از قاتلین را که خواستند بکشند و اولیای مقتصّ منہ به نه نفر دیگر، برای اخذ یک دهم دیه از هر کدام از آنان مراجعه می‌کنند»^۱ (عاملی، همان، ۳۰-۲۹) و نیز صحیحۀ ابن مسکان از امام صادق(ع) روایت شده است در موردی که دو مرد، یک مرد را مشترکاً کشته بودند، حضرت فرمود: «اگر اولیای دم، قصاص هر دو را بخواهند یک دیه کامل را به آن دو می‌پردازند و هر دو را قصاص می‌کنند و این دیه بین اولیای مقتولین (مقتص منهما) تقسیم می‌شود؛ و اگر بخواهند فقط یکی را قصاص کنند وی را می‌کشند و قاتل دیگر، نصف دیه را به اولیای دم مقتصّ منہ پرداخت می‌کند و چنانچه به هیچ کدام از قاتلین فاضل دیه نپردازند و در نتیجه هیچ یک را قصاص نمایند، دیه مقتول را از آن دو دریافت می‌کنند و هرگاه ولی دم، دیه مطالبه کند پرداخت دیه بر عهده آنهاست»^۲ (همان، ۳۰). در اینجا برخلاف قول نخست که الزام شرکای در قتل به پرداخت سهم دیه خود از جنایت، غیر ممکن و بالتبع مستلزم

۱. فی عشرة إشتراكوا فی قتل رجل، قال: يُخیرُ أهلُ المقتول، فأیُّهم شاءوا قتلوا، و یرجع أولیاءُ علی الباقین بتسعةِ أعشارِ الدیةِ

۲. عبدالله ابن مسکان از ابی عبدالله (ع) فی رَجَلینِ قَتَلَ رَجُلًا، قال: إن أرادَ أولیاءُ المقتولِ قتلَهُما ادّوا دِیةً کاملَةً و قتلوهما، و تكونُ الدِیةُ بینَ أولیاءِ المقتولین، فأن أرادوا قتلَ أحدهما قتلوه، و ادّیَ المتروکُ نصفَ الدِیةِ الی اهلِ المقتول، و أن لم یؤدّ دِیةَ أحدهما و لم یقتلَ أحدهما قَبَلَ الدِیةِ صاحبه من کلّیهما و أن قَبَلَ أولیاءُ الدِیةِ کانت علیهما.

مصالحه است، اجباری است و آنان سهم دیه جنایت خود را بدهکار می‌شوند و در صورت مطالبه اولیای دم، مکلف به پرداخت آن می‌باشند. همچنین هرگاه تنها برخی از آنان قصاص شوند، شرکائی که قصاص نمی‌شوند موظفند سهم دیه جنایت خود را به مقتصد منه پرداخت کنند و بدهکاری آنان به جهت کشته شدن احد از شرکاء به جای همگی آنان می‌باشد.

۳-۲. قصاص با پرداخت فاضل دیه یا الزام به پرداخت دیه، به شرط امتناع یا اعسار ولی دم

برخی از فقها با قول به تفصیل راه میانه را برگزیده و معتقدند اختیار اولیای دم در مطالبه دیه مطلق نیست چه آن که حق اولیه آنان قصاص است. فلذا آنان تنها در صورتی می‌توانند قاتل را به پرداخت دیه وادار کنند، که خود از پرداخت فاضل دیه استنکاف نموده یا به علت عدم توانایی مالی، قادر به پرداخت مابه التفاوت دیه نباشند. به بیان دیگر، اعسار یا استنکاف آنان موجب تبدیل حق قصاص و امکان مطالبه دیه به نحو تخییر است. برای مثال علامه حلی در فرض استنکاف ولی دم یا عدم توانایی او از پرداخت فاضل دیه، می‌فرماید: «مرد آزاد به سبب کشتن زن آزاد، بعد از رد فاضل دیه قصاص می‌شود. اگر ولی دم از پرداخت فاضل دیه امتناع نمود یا به علت فقر توانایی پرداخت آن را نداشت، قول به صواب نزدیک‌تر آن است که ولی دم می‌تواند از قاتل، دیه زن را مطالبه کند؛ زیرا راهی به سوی هدر رفتن خون در اسلام نیست.^۱ (علامه حلی، بی تا، ۲/ ۲۸۵) لیکن فخرالمحققین موضوع را صرفاً محدود به عدم تمکن مالی نموده، می‌فرماید: «نظر قوی‌تر نزد من آن است که ولی دم تنها در صورت ناتوانی از پرداخت فاضل دیه می‌تواند از قاتل دیه زن را مطالبه کند، نه در صورتی که توانایی دارد، ولی از

۱. ولو امتنع الولیُّ أو كان فقيراً فالأقرب أن له المطالبةُ بديه الحرة إذ لا سبيلَ الى طلِّ الدَّمِ

پرداخت فاضل دیه خودداری می‌نماید»^۱ (فخرالمحققین، ۵۷۱/۴). کما اینکه برخی از متأخرین نیز در پاسخ به استفتائی در این خصوص می‌فرمایند: «در فرض سؤال که ولی مقتوله قادر بر ادای نصف دیه مرد نیست، نمی‌تواند قصاص کند و فقط می‌تواند دیه زن را که نصف دیه مرد است از قاتل مطالبه کند و قاتل نیز ملزم به اداء دیه زن است و حق اینکه با امتناع از اداء دیه، تقاضای قصاص کند ندارد» (گلپایگانی، ۱۳۶۴، ۲۹۳/۳).

۴-۲. قول به تخییر قصاص و دیه مطلقاً

مطابق قول بعضی از قدامای فقهای امامیه همچون ابن جنید اسکافی و ابن ابی عقیل عمانی (علامه حلی، ۱۴۱۰، ۲۸۶/۹) در جنایات عمدی، ولی دم در انتخاب قصاص یا دیه به نحو علی الاطلاق مخیر می‌باشد و می‌تواند به نحو بدلی هر یک از این دو را که بخواهد انتخاب نماید؛ خواه قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه بوده یا نبوده و در صورت لزوم پرداخت فاضل دیه اعم از اینکه ولی دم قادر به پرداخت آن باشد یا نباشد و متقابلاً جانی نیز مکلف به قبول آن می‌باشد و نمی‌تواند آن را رد کند.

در مجموع، با توجه به مراتب فوق و با عنایت به اطلاق روایات وارده و از جمله فرمایش امام صادق (ع) که فرمود: «اگر اولیای دم بخواهند از قاتل پنج هزار درهم دریافت می‌کنند» (شیخ حر عاملی، همان، ۶۱) و عدم تقيید آنها به رضایت جانی یا به عدم تمکن مالی ولی دم، به نظر می‌رسد قول به تخییر مطلق و جواز الزام جانی به پرداخت دیه اقوی است.

۳. زمان و نحوه وصول فاضل دیه

از دیگر موضوعات اساسی باب قصاص، لزوم پرداخت فاضل دیه پیش از اجرای آن می‌باشد. مشهور فقهای امامیه با استظهار به روایات وارده از معصومین (ع) معتقدند باید

۱. و الأقوی عندی أن له المطالبة بالدية مع إيساره لا مع يساره و امتناعه

در کلیه موارد فاضل دیه قبل از اجرای قصاص، به جانی پرداخت شود و این حکم به مثابه یک قاعده جزائی است و در نتیجه اختصاص به قتل زن مسلمان توسط مرد مسلمان نداشته و در کلیه مواردی که اجرای قصاص مستلزم پرداخت مابه التفاوت می‌باشد (مانند مصادیق متنوع شرکت در قتل و جنایات مادون نفس) باید رعایت شود. به این ترتیب مادام که فاضل دیه پرداخت نشود جانی قصاص نمی‌شود و اجرای حکم تا وقت ادا به تأخیر می‌افتد؛ خواه ولی دم تمکن مالی نداشته باشد یا نسبت به پرداخت آن تمکین ننماید.

(ابن ادریس، ۱۴۱۱، ۳۵۰/۳، نجفی، همان، ۸۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶، ۴۴۸/۱۳؛ علامه ویی، همان، ۳۲؛ موسوی خمینی، بی تا، ۵۱۹/۲). با این وجود، تبعیت از قول مشهور فقها، ممکن است در مواردی کافی به مقصود نبوده و عملاً مشکلاتی را به همراه داشته باشد؛ مانند اینکه، اولیای دم برای پرداخت فاضل دیه، از تمکن مالی لازم برخوردار نباشند و دیه را مطالبه نمایند، اما قاتل به رغم تمکن مالی حاضر به پرداخت آن نباشد. در این حالت، از آن جا که مجازات قتل عمدی اولاً و بالذات قصاص است، نه قصاص و دیه و مضافاً دیه تسالیحی است؛ در نتیجه هیچ یک از طرفین نمی‌تواند دیگری را به قبول یا پرداخت آن وادار سازد. لذا چنین وضعیتی حقوق اولیای دم مجنی علیه را در معرض تضییع قرار می‌دهد. همچنین در مواردی ممکن است که اولیای دم تمکن مالی نداشته و در عین حال به جهت کیفیت جنایت ارتكابی یا مسائل قابل درک دیگر حاضر به عفو قاتل یا دریافت دیه مقتول نبوده و صرفاً خواستار قصاص قاتل باشند که در این حالت، چهار دیدگاه به شرح زیر مطرح شده است:

۱-۳. حبس قاتل تا تمکن مالی اولیای دم

هرچند اجرای قصاص فوری است و صاحب حق قصاص می‌تواند بلافاصله بعد از

قطعیت حکم، جانی را قصاص نماید، اما این حکم منوط به تحقق شرایط آن است و از جمله آن‌ها، پرداخت فاضل دیه قبل از قصاص می‌باشد. به بیان دیگر «ثبوت حق قصاص مشروط به پرداخت فاضل دیه است؛ به نحوی که مادام رد انجام نشده، حق قصاص برای ولی دم محقق نمی‌شود؛ زیرا حق قصاص متوقف بر آن و مشروط به پرداخت می‌باشد» (لنکرانی، ۱۴۲۱، ۱۱۲)، علی‌هذا برای آنکه جانی تا فراهم شدن دیه از سوی اولیای دم در دسترس باشد، بهترین گزینه زندانی کردن وی می‌باشد. هرچند این دیدگاه منطقی به نظر می‌رسد، لکن علاوه بر تحمیل هزینه اضافی بر بیت‌المال، با دو قاعده جزایی "منع کیفر مضاعف" و «لزوم تعیین مدت حبس» نیز در تعارض است. با این توضیح که تبعیت از این نظر، موجب تحمیل مجازات اضافی بر جانی می‌شود و از این جهت، به علت شبهه مغایرت شرعی با مخالفت اغلب فقها مواجه است؛ زیرا به موجب قاعده «لا یُجنى الجانی علی اکثر من نفسه» که خود متخذ از روایات وارده از معصومین (ع) می‌باشد زندانی کردن جانی تحمیل مجازاتی اضافی بر اوست که دلیلی بر اعمال آن موجود نیست. همچنین در این دیدگاه، معلوم نیست باید قاتل تا چه زمانی در زندان بماند؛ زیرا چه بسا اولیای دم هیچگاه تمکن مالی لازم را بدست نیاورند.

۲-۳. آزادی قاتل با اخذ وثیقه تا تمکن مالی اولیای دم

هر چند در این راهکار، جانی به جامعه و زندگی معمول خود بازمی‌گردد و از این جهت، از بروز توالی فاسده پیشگیری شده و از تحمیل هزینه‌های اضافی به بیت‌المال جلوگیری می‌گردد، لکن این دیدگاه نیز با چالشهایی مواجه است؛ اولاً، ممکن است جانی وثیقه لازم را نداشته باشد. ثانیاً، آمیدی به تمکن مالی اولیای دم در آینده نباشد. ثالثاً، ممکن است در این فاصله قاتل بمیرد یا هلاک شود؛ در نتیجه حق قصاص اولیای دم تضییع گردد. رابعاً، امکان دارد در صورت آزادی قاتل از زندان، اولیای دم به

خونخواهی برآمده رأساً قاتل را قصاص کنند. لذا بی شک بروز هر یک از وضعیت های یادشده بالاخص وضعیت اخیر الذکر، آثار و پیامدهای اجتماعی، سیاسی و حقوقی ناگواری در پی خواهد داشت که نظم عمومی را مختل خواهد ساخت.

۳-۳. پرداخت فاضل دیه از بیت المال

هر چند موضوع امکان پرداخت فاضل دیه از بیت المال از سابقه فقهی چندانی برخوردار نیست؛ لیکن در استفتائات سالهای اخیر به نحو گسترده ای مطرح شده است. برای نمونه ذیلاً به یک مورد از سؤالات مزبور در این زمینه اشاره می شود:

«در موارد پرداخت فاضل دیه، چنانچه اولیای دم علیرغم اصرار بر قصاص، قدرت پرداخت فاضل دیه را نداشته باشند و از طرفی به طور عادی نیز امیدی به تمکن آنان در آینده نباشد، بفرمایید:

الف) آیا در این گونه موارد، قصاص به طور قهری به دیه تبدیل می شود؟

ب) چنانچه پاسخ منفی است، در شرایطی که عدم قصاص یا تأخیر آن به مصلحت نباشد و چه بسا عوارض سیاسی و اجتماعی شدیدی دربرداشته باشد، آیا می توان فاضل دیه را از بیت المال پرداخت و حکم قصاص را اجرا نمود؟» (گنجینه استفتائات قضایی، لوح فشرده، مرکز تحقیقات قوه قضائیه).

در پاسخ به پرسش مطروحه فوق، بالاخص در خصوص امکان یا لزوم پرداخت فاضل دیه از بیت المال دیدگاه مراجع معظم تقلید یکسان نیست؛ برخی چون آیات عظام خامنه ای، صافی گلپایگانی، بهجت تبریزی و سیستانی به هیچ وجه آن را جایز نمی دانند و معتقدند در بیت المال چنین چیزی پیش بینی نشده است و پرداخت فاضل دیه از بیت المال مجازات کردن همه مردم است. (گنجینه استفتائات قضایی، لوح فشرده، مرکز تحقیقات قوه قضائیه). لیکن برخی دیگر چون فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، موسوی

اردبیلی (گنجینه استفتائات قضایی، لوح فشرده، مرکز تحقیقات قوه قضائیه) در خصوص مستندات فقهی امکان پرداخت فاضل دیه از بیت‌المال مشروط به عدم تمکن مالی ولی دم، می‌توان به برخی روایات وارده استناد نمود. از جمله روایاتی که مؤید پرداخت دیه از بیت‌المال می‌باشد، «صحیحہ ابی بصیر» از امام صادق (ع) است: «ابوبصیر سؤال می‌کند از امام صادق (ع) از حکم مردی که مرد دیگری را به عمد کشته سپس فرار کرده و دستیابی به او ممکن نمی‌باشد. امام صادق (ع) فرمود: اگر قاتل مال دارد دیه مقتول از مالش گرفته می‌شود، و آلا از خویشاوندان قاتل به نحو الاقرب فالاقرب اخذ می‌شود و اگر خویشاوندانی ندارد امام، دیه مقتول را می‌پردازد، چرا که خون مسلمان هدر نمی‌رود»^۱ (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶، ۳۹۵/۱۹). مطابق این روایت در صورت فرار قاتل و عدم دسترسی به او و نیز به منظور پیشگیری از هدر رفتن خون مسلمان، ضمان بر عهده جانی، عاقله، اقارب و سپس بیت‌المال قرار داده شده است. به علاوه از جمله قواعد مهم جزایی قاعده: «لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ» است که بر اساس آن نباید خون مسلمان هدر برود. این قاعده عام است و شامل مواردی که استیفای قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه است و حق ولی دم به علت عجز از پرداخت فاضل دیه در معرض تضییع قرار دارد نیز می‌گردد. ضمن این که در برخی روایات، سخن از عدم بطلان خون است و قید مسلمان هم ندارد؛ در نتیجه شامل غیر مسلمانانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، می‌شود.

۴-۳. پرداخت فاضل دیه بعد از قصاص

از دیگر راهکارهای تسهیل و تسریع اجرای قصاص، پرداخت فاضل دیه بعد از اجرای

۱. فی رجل قتل رجلاً متعمداً ثم هرب القاتل فلم يُقدَّر عليه قال (ع) إن كان له مالٌ أخذت الدية من ماله وإلنا فمن الأقرب فالأقرب وإن لم يكن له قرابة آذاه الإمام؛ فإنه لا يبطل دم امرئ مسلم

قصاص می‌باشد. به این ترتیب که اولیای دم، در صورت عدم تمکن مالی بر پرداخت فاضل دیه پیش از قصاص و برای پرهیز از بروز مشکلات پیش گفته ابتدا قاتل را قصاص نموده و پس از تمکن مالی و تحصیل دیه، آن را به ورثه جانی پرداخت می‌کنند. این موضوع در دو بخش روایات و آراء فقها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱-۴-۳. در روایات

روایات وارده از معصومین (ع) از نظر لزوم پرداخت فاضل دیه «قبل از قصاص» یا امکان پرداخت آن «بعد از قصاص» به دو دسته قابل تقسیم اند. نخست، احادیثی که مورد اقبال فقها قرار گرفته اند و آنها روایاتی هستند که به صراحت بر لزوم پرداخت فاضل دیه، «قبل از قصاص» دلالت دارند. از جمله آنها صحیحه ابی مریم انصاری از امام باقر (ع) است در خصوص دو مرد که مشترکاً دست مردی را قطع کرده بودند فرمود: اگر مجنی علیه بخواهد دست آنان را قطع کند ابتدا دیه یک دست را میان آنان تقسیم می‌کند سپس دست آنان را قطع (قصاص) می‌کند و اگر مایل باشد از آنان دیه می‌گیرد و اگر بخواهد دست یکی از آن دو را قطع می‌کند و آن دیگری ربع دیه به مقتض منه پرداخت می‌کند. (شیخ حر عاملی، همان، ۶۰) همچنین صحیحه حلبی از امام صادق (ع) است درباره مردی که زنی را به عمد کشته بود و اولیای زن خواهان قصاص بودند؛ فرمود: «قصاص، حق آنان است، هنگامی که نصف دیه را به خانواده قاتل پرداخت کردند.» (شیخ حر عاملی، همان، ۶۰-۵۹)^۱ روایت دیگر، حدیث ابی بصیر از امامین صادق یا باقر علیهما السلام است که فرمود: امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در مورد مردی که زنی را [به عمد] کشته بود فرمود: «اگر خانواده مقتول (زن) بخواهند قاتل (مرد) را قصاص کنند نصف دیه را به خانواده اش می‌پردازند و او را می‌کشند؛ و الا دیه

۱. ذاک لهم اذا ادوا الی اهلہ نصف الدیہ...

می‌گیرند» (شیخ حر عاملی، همان، ۶۱).^۱

معهدا در میان احادیث وارده از معصومین علیهم السلام روایات فراوانی نیز وجود دارد که پرداخت فاضل دیه «بعد از قصاص» را تجویز می‌نمایند. این روایات متعددند. از جمله آنها روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) در مورد مردی است که زنی را به عمد کشته بود. آن حضرت فرمود: «اگر اولیای دم بخواهند قاتل را قصاص کنند، او را می‌کشند و نصف دیه را به خانواده اش می‌پردازند.»^۲ (همان، ۵۹) همچنین روایت محمد ابن قیس از امام باقر (ع) در مورد مردی است که عمداً زنی را به قتل رسانده بود، فرمود: «اگر اولیای دم بخواهند او را قصاص می‌کنند و نصف دیه به اولیای مقتول (مقتص منه) می‌پردازند.»^۳ (همان، ۶۱) علی‌هذا به موجب این حدیث، اجازه پرداخت دیه پس از قصاص، به اولیای قاتل که مورد قصاص قرار گرفته (مقتول) داده شده است. همچنین روایت ابی العباس از امام صادق (ع) در همین زمینه است که فرمود: اگر مردی زنی را بکشد، اولیای دم مخیرند قاتل را قصاص کنند و نصف دیه را به ورثه قاتل بپردازند یا نصف دیه دریافت نمایند. (همان) «هرگاه مردی عمداً زنی را به قتل رساند، اولیای زن مخیرند اگر خواستند قاتل را قصاص کنند و نصف دیه را به ورثه قاتل پرداخت کنند و یا اگر خواستند نصف دیه دریافت نمایند.»^۴ علی‌هذا امکان پرداخت نصف دیه به ورثه قاتل، به نوبه خود مؤید امکان پرداخت فاضل دیه، پس از قصاص

۱. قلت له: رجل قتل امرأة، فقال: إن أراد أهل المرأة أن يقتلوه أدوا نصف دينه و قتلوه، وإلا قبلوا الدية

۲. إن شاء أهلها أن يقتلوه، قتلوه و يؤدوا إلى أهله نصف الدية...

۳. أن ابی جعفر (ع) فی الرجل یقتل المرأة، قال: إن شاء أولیاءها قتلوه و غرموا خمسة آلاف درهم لأولیاء المقتول، و إن شاءوا أخذوا خمسة آلاف درهم من القاتل. یعنی

۴. إن قتل رجل امرأة خیر أولیاء المرأة إن شاءوا أن یقتلوا الرجل و یغرموا نصف الدية لورثته و إن شاءوا أن یأخذوا نصف الدية.

می‌باشد؛ والا استفاده از واژه «ورثه» یا «اولیای مقتول» برای کسانی که مورث آنان در قید حیات است چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

معهدا روایات، ناظر بر تخییر از سوی فقهای امامیه مورد عمل واقع نشده‌اند. در جمع میان این دو دسته از روایات می‌توان امکان پرداخت فاضل دیه بعد از قصاص را به عدم تمکن مالی ولی دم (صاحب حق قصاص) یا رضایت جانی محدود و منحصر نمود. علی‌ای حال امکان پرداخت فاضل دیه بعد از قصاص از جمله راهکارهای پیشگیری از به هدر رفتن حق قصاص ولی دم می‌باشد.

۲-۴-۳. پرداخت فاضل دیه، پیش از قصاص از دیدگاه فقها

همانطور که اشاره گردید مشهور فقهای امامیه با اعراض از روایت عبدالله بن سنان و ابی العباس و امثال آن‌ها، صریحاً به لزوم پرداخت فاضل دیه پیش از قصاص فتوی داده‌اند. (محقق حلی، ۹۷۹/۴؛ علامه حلی، ۲۸۵/۲؛ موسوی خمینی، همان، ۵۳۷) با این وجود از عبارت برخی از آنان پرداخت دیه پس از قصاص نیز استفاده می‌شود. برای مثال شیخ مفید در این مورد می‌فرماید: «هرگاه مردی عمداً زنی را بکشد... چنانچه اولیای زن خواستار قصاص مرد باشند، از این حق برخوردارند تا این که به ورثه مستقداً منه نصف دیه را بپردازند..»^۱ (المقنعه، ۱۴۱۰، ۷۳۹) بی تردید استفاده از واژه «ورثه مستقداً منه» و نیز بکار بردن عین عبارات روایات مربوط به جواز پرداخت دیه پس از قصاص، خود مؤید این معنی است که از دیدگاه این فقیه بزرگ، اولیای دم می‌توانند پس از قصاص قاتل، دیه را به بازماندگان وی پرداخت کنند؛ و الا مادام که جانی قصاص نشده است استفاده از واژه «ورثه» برای خانواده قاتل چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

۱. "و إذا قتل الرجل المرأة عمداً...و إن اختاروا الفود كان لهم ذالك على أن يؤدوا الى ورثة المستقداً منه نصف الدية..." یعنی

۴. تحلیل مقررات قانونی

با اسلامی شدن قوانین کیفری پس از انقلاب، نخستین بار در ماده ۴۴ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱/۶/۳ به پیروی از قول «غیر مشهور» فقهای امامیه مقرر شد: «هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم مخیر است بین قصاص با پرداخت نصف دیه کامل به قاتل و بین مطالبه دیه زن از قاتل» همانطور که ملاحظه می شود حکم این ماده دائر بر قصاص، با پرداخت نصف دیه کامل یا مطالبه دیه از قاتل (به نحو تحییر) تنها به قتل زن توسط مرد اختصاص یافته و به رغم مشترک بودن لسان روایات وارده شامل سایر ابواب مربوط از جمله شرکت در قتل و نیز جنایات عمدی مادون نفس

(آن جا که دیه آن ثلث یا بیش از ثلث و اجرای قصاص در آنها مستلزم پرداخت فاضل به است) نمی شود. بنابراین مطابق این ماده، تنها در مواردی که مردی، زنی را به قتل رساند، ولی دم زن همزمان از دو حق برخوردار می باشد یا با پرداخت نصف دیه به قاتل، او را قصاص کند یا او را وادار نماید تا دیه مجنی علیها را که نصف دیه کامله می باشد به وی بپردازد؛ اعم از این که تمکن از پرداخت فاضل دیه داشته باشد یا خیر و اعم از این که جانی به پرداخت دیه رضایت داشته یا نداشته باشد و در سایر موارد از این حق برخوردار نمی باشد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مقایسه با قانون پیشین، در این خصوص با چرخشی اساسی و البته بالعکس همراه بود. این قانون به جای رفع موانع و تسهیل فرآیند استیفای قصاص به پیروی از قول «مشهور» فقها، صرفاً قصاص آنهم پس از پرداخت فاضل دیه را تجویز و حق مطالبه فاضل دیه را حتی از اولیای دم مقتول (زن) نیز سلب نمود. طبق ماده ۲۰۹ قانون مذکور «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است؛ لیکن باید ولی زن «قبل از» قصاص قاتل، نصف دیه

مرد را به او بپردازد.» همچنین طبق ماده ۲۱۳ این قانون، لزوم پرداخت فاضل دیه قبل از قصاص به عنوان یک قاعده کلی مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. مطابق این ماده: «در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند، باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد». با این وجود، سیاست کیفری متخذه دائر بر لزوم پرداخت فاضل دیه قبل از قصاص، به علاوه تصالحی بودن دیه قتل عمدی، عملاً در موارد بسیاری، اجرای قصاص را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته و شبهه نا کارآمدی قوانین اسلامی را تداعی می‌نمود.

با توجه به پیشینه فوق، سیاست کیفری متخذه تا پیش از وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مشکلات اجرایی فراوانی را به همراه داشت و عمدتاً منجر به زندانی شدن جانی برای مدت نامعلوم می‌گردید؛ زیرا اغلب، اولیای دم قادر به پرداخت فاضل دیه پیش از اجرای قصاص نبوده و یا علی‌رغم توانایی مالی به دلایل قابل درکی حاضر به پرداخت آن نبودند. در نتیجه، جانی می‌بایست برای مدت طولانی در زندان بماند. نگهداری مجرمین بالاخص قاتلین عمدی در زندان، در شرایط موجود از جنبه‌های گوناگون از جمله ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، معضلات خاص خود را به همراه دارد. از یک سو موجب تحمیل هزینه‌های اضافی به بیت‌المال و مجازات اضافی به جنایتکار می‌شود؛ از سوی دیگر باعث تشویش خاطر و بلا تکلیفی خانواده‌های جانی و مجنی‌علیه گردیده و شائبه ناکارآمدی قوانین کیفری را در اذهان عامه تداعی می‌نماید؛ تا آنجا که برای کاستن از آثار و تبعات سوء نگهداری قاتلین در زندان‌های کشور، رئیس وقت قوه قضاییه طی بخشنامه‌های شماره ۱۰۷۷۷/۱۷۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۵ و ۱۳۷۸/۳۶۶۲۷/۱۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ به رؤسای کل دادگستری‌های استانها، تکلیف نمود تا به متقاضی قصاص، مهلت مناسبی داده شود تا نسبت به

پرداخت فاضل دیه اقدام نماید و گرنه قرار بازداشت فک و به وثیقه مناسب تبدیل گردد؛ هر چند که بخشنامه های یاد شده، با الزامی بودن قرار بازداشت در قتل عمدی موضوع ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مغایر به نظر می‌رسیدند.

برای رفع این چالشها، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تدابیر و راه حل های گوناگون اتخاذ گردیده است. تدابیر مزبور برخی به اعتبار تمایل ولی دم یا وضعیت مالی او و برخی به اعتبار نوع جنایت، نحوه ارتکاب و آثار و تبعات ناشی از آن اتخاذ شده است. البته لازم به ذکر است که در قانون اخیر نیز به پیروی از قول مشهور فقهای امامیه، بار دیگر به لزوم پرداخت فاضل دیه «قبل از قصاص» به عنوان یک قاعده فقه جزائی تأکید شده است. همچنین مطابق قانون اخیرالتصویب نیز هرگاه ولی دم خواهان قصاص بوده و در عین حال از تمکن مالی لازم برخوردار باشد موظف است پیش از اجرای قصاص فاضل دیه را به جانی پرداخت نماید، و آلا مادام که فاضل دیه پرداخت نشده، اجرای قصاص متوقف می‌شود؛ و در صورتی که صاحب حق قصاص بدون رعایت ترتیبات موصوف، خودسرانه به قصاص جانی اقدام نماید، طبق ماده ۴۲۶ قانون یادشده، علاوه بر الزام به پرداخت فاضل دیه، به تعزیر مقرر در قانون تعزیرات موضوع ماده ۶۱۲ مصوب ۱۳۷۵ نیز محکوم می‌گردد. لذا در این قسمت، به تحلیل و نقد و بررسی مقررات مربوط به فاضل دیه در قانون جدید مجازات اسلامی پرداخته می‌شود.

۱-۴. قصاص با پرداخت فاضل دیه یا مطالبه دیه شرعی

هر چند مجازات جنایات عمدی اولاً و بالذات قصاص است و نه قصاص و دیه؛ در نتیجه صاحب حق قصاص (مجنی علیه یا ولی دم یا ورثه او) علی الاصول تنها می‌تواند جانی را قصاص کند یا بلاعوض او را مورد عفو قرار دهد و اگر خواستار دیه باشد باید

رضایت جانی را جلب نماید، والأ حق الزام او را به پرداخت دیه ندارد؛ اما قانون مجازات اسلامی جدید این امکان را فراهم ساخته تا در مواردی که اجرای قصاص اعم از نفس یا عضو مستلزم پرداخت فاضل دیه است صاحب حق قصاص، همزمان و به نحو تخییر، از دو حق برخوردار باشد که یا مابه‌التفاوت دیه را بپردازد و جانی را قصاص کند یا او را به پرداخت دیه مقرر قانونی الزام نماید، اعم از این که خود از تمکن مالی برای پرداخت فاضل دیه برخوردار باشد یا خیر، و اعم از این که امیدی برای تمکن مالی آنها در آینده وجود داشته باشد یا نباشد؛ خواه محکوم علیه نسبت به تأدیة آن رضایت داشته، خواه رضایت نداشته باشد. مطابق ماده ۳۶۰ قانون مذکور: «در مواردی که اجرای قصاص، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده است، صاحب حق قصاص، میان قصاص با رد فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون، ولو بدون رضایت مرتکب، مختار است.»

بر این اساس، طبق ماده فوق، اولاً، در کلیه موارد موصوف، صاحب حق قصاص همزمان و به نحو تخییر، از دو حق برخوردار است که یا جانی را پس از پرداخت فاضل دیه قصاص کند یا او را به پرداخت دیه مقتول الزام نماید. ثانیاً، بر خلاف ماده ۴۴ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱/۶/۳، این حکم تنها اختصاص به قتل زن توسط مرد ندارد؛ بلکه عموم آن، علاوه بر جنایت بر نفس، جنایات عمدی مادون نفس و نیز کلیه مصادیق شرکت در جنایت همچون مشارکت قاتل و مقتول، حیوان و انسان، پدر و بیگانه در قتل فرزند که اجرای قصاص در آنها مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده یا شوندگان است را شامل می‌گردد. ثالثاً، الزام جانی به پرداخت فاضل دیه، مطلق است و در نتیجه به عدم تمکن مالی اولیای دم یا رضایت جانی مقید نشده است؛ فلذا آنان می‌توانند مرتکب یا مرتکبین را به پرداخت فاضل دیه

الزام کنند؛ هر چند آنان نسبت به پرداخت دیه مقرر قانونی رضایت نداشته و در عین حال خود نیز قادر به پرداخت فاضل دیه باشند. رابعاً، ولی دم می‌تواند در موارد شرکت در جنایت اعم از نفس و مادون نفس، با تبعیض میان مرتکبین، برخی را قصاص و برخی را از قصاص معاف کند. در این صورت آنان که قصاص نمی‌شوند موظفند سهم دیه خود از جنایت را به مقتض منہ پرداخت نمایند و نیازی به مصالحه و رضایت آنان نمی‌باشد.

۲-۴. پرداخت فاضل دیه از بیت المال

در برخی موارد همچون تجاوزات به عنف توأم با قتل، عمدتاً جنایات ارتكابی آثار و پیامدهای سوء اجتماعی و سیاسی به همراه دارد. افکار و احساسات عمومی را جریحه دار می‌کند و عواطف مردم را برمی‌انگیزاند و اجرای فوری مجازات را ایجاب می‌نماید. از سوی دیگر، ممکن است اولیای دم فقیر بوده و علیرغم اصرار بر قصاص، قدرت پرداخت فاضل دیه را نداشته باشند و نیز امیدی به تمکن مالی آنان در آینده نیز وجود نداشته باشد. در این صورت، هیچ‌گاه زمینه اجرای قصاص فراهم نخواهد شد. در این حالت، «عدم توانایی برای پرداخت فاضل دیه، ضمن آنکه ممکن است موجب احساس حقارت ولی دم گردد، چه بسا موجب تجری قاتل شده و وی را به قتل‌های مشابه ترغیب نماید؛ به ویژه آن که اگر قاتل اطمینان یابد که ولی دم هیچ‌گاه نخواهد توانست فاضل دیه را جهت اجرای قصاص فراهم کند ... احتمال برانگیخته شدن حس انتقام شخصی و ایجاد هرج و مرج وجود دارد». قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای این قبیل موارد، پرداخت فاضل دیه از بیت المال را با رعایت ترتیباتی پذیرفته است. برابر ماده ۴۲۸ قانون مذکور: «در مواردی که جنایت، نظم و امنیت عمومی را بر هم زند یا احساسات عمومی را جریحه دار کند و مصلحت در اجرای قصاص باشد، لکن خواهان

قصاص تمکن از پرداخت فاضل دیه یا سهم دیگر صاحبان حق قصاص را نداشته باشد با در خواست دادستان و تأیید رییس قوه قضاییه، مقدار مذکور از بیت المال پرداخت می شود».

مطابق ماده فوق، استفاده از بیت المال برای پرداخت فاضل دیه، به نیابت از اولیای دم مطلق نیست، بلکه مستلزم اجتماع شرایطی است. لهذا علاوه بر این که لازم است جنایت ارتكابی نظم و امنیت عمومی را بر هم زده و احساسات عمومی را جریحه دار کرده باشد؛ باید صاحبان حق قصاص فقیر بوده از تمکن مالی برای پرداخت مابه‌التفاوت دیه برخوردار نبوده و به علاوه، این امر از سوی مقامات قضایی همچون قضات اجرای احکام و بالانحص دادستان مربوط احراز شده و النهایه مراتب به تأیید رییس قوه قضاییه برسد.

۳-۴. آزاد سازی محکوم علیه(قاتل) از زندان

ممکن است اولیای دم از نظر مالی متمکن باشند اما علی رغم اصرار بر قصاص قاتل، به بهانه های مختلف از جمله عدم اعتقاد به نابرابری دیه زن و مرد، انتظار برای بلوغ یا افاقه ولی دم یا مجنی علیه یا ... حاضر به پرداخت فاضل دیه نباشند. این وضعیت مراجع قضایی (اجرای احکام کیفری) را با بن بست مواجه می‌سازد؛ زیرا نگهداری جانی در زندان همزمان موجب تحمیل هزینه اضافی به بیت المال و مجازات اضافی به جانی و تشویش خاطر خانواده اوست لذا جانی باید هرچه زودتر از زندان آزاد شود. اما از این نکته نیز نباید غافل بود که آزاد سازی زندانی از زندان به نوبه خود با مخاطراتی همراه است؛ زیرا ممکن است جانی، وثیقه لازم را در اختیار نداشته باشد یا در صورت خروج از زندان، از سوی اولیای دم، به اعتبار داشتن حق قصاص کشته شود. به نظر می‌رسد در این قبیل موارد راه حل اساسی، دادن مهلت مناسب به ولی دم، برای

پرداخت فاضل دیه و اجرای قصاص یا پذیرش دیه قانونی پس از اتمام مهلت مزبور باشد؛ به بیان دیگر، در اینگونه موارد، تبدیل اجباری حق قصاص به دیه گزینه مناسب تری است؛ زیرا با پیشبینی چنین حکمی از یک سو، اولیای دم تشویق می‌شوند تا در فرجه مقرر نسبت به تعیین تکلیف حق قصاص خود اقدام کنند و از سوی دیگر، در صورت آزادی محکوم علیه از زندان، جرأت کشتن یا اقدام علیه او را نخواهند داشت؛ زیرا در این صورت جانی نسبت به آنان محقون الدم بوده و در صورت مبادرت، خود مرتکب جنایتی شده اند که موجب قصاص است. معهداً قانونگذار جدید، صرفاً راه حل آزاد سازی جانی از زندان را با اخذ وثیقه مناسب انتخاب کرده است. برابر ماده ۴۲۹ قانون جدید: «در مواردی که محکوم به قصاص، در زندان است و صاحب حق قصاص، بدون عذر موجه یا به علت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه یا به جهت انتظار برای بلوغ یا افاقه ولی دم یا مجنی علیه، مرتکب را در وضعیت نامعین رها نماید، با شکایت محکوم علیه از این امر، دادگاه صادر کننده حکم، مدت مناسبی را مشخص و به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا اجرای قصاص اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، دادگاه می‌تواند پس از تعیین تعزیر بر اساس کتاب پنجم تعزیرات و گذشتن [آن] مدت زمان با اخذ وثیقه مناسب و تأیید رییس حوزه قضایی و رییس کل دادگستری استان تا تعیین تکلیف از سوی صاحب حق قصاص، مرتکب را آزاد کند.»

تدبیر پیش بینی شده در این ماده، از رسوب بلاوجه محکومین به قصاص نفس و عضو در زندان‌ها و مآلاً از بروز تالی فاسدهای متعدد جلوگیری نموده و نیز صاحبان حق قصاص را تشویق می‌کند تا هرچه سریعتر نسبت به تعیین تکلیف حق قصاص خود اقدام نمایند. بدیهی است اجرای این ماده، علاوه بر تشخیص دادگاه مبنی بر تحقق

یکی از موجبات فوق الذکر، نیازمند تقاضای جانی و تودیع وثیقه از یکطرف و موافقت رییس حوزه قضایی و رییس کل دادگستری استان مربوط از طرف دیگر می‌باشد. در پایان ذکر این نکته ضروری است این ماده از آن جهت که صرف عدم تعیین تکلیف پرونده از سوی صاحب حق قصاص را ولو به علت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه باشد قابل تعزیر اعلام داشته، قابل نقد به نظر می‌رسد.

۴- ۴. محاسبه فاضل دیه از محل مطالبات مقتول یا صاحب حق قصاص

از دیگر راهکارهایی که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای تسریع و تسهیل اجرای قصاص پیشبینی شده، محاسبه فاضل دیه از محل مطالبات مقتول یا صاحب حق قصاص است؛ توضیح اینکه، ممکن است ولی دم (صاحب حق قصاص) در زمان اجرای حکم، پول کافی برای پرداخت فاضل دیه در اختیار نداشته باشد، اما مقتول (زن) خود مطالباتی از جانی (قاتل) داشته است یا ولی دم (صاحب حق قصاص) از جانی مطالباتی دارد که می‌تواند به عنوان فاضل دیه مورد تهاتر قرار گیرد. علی هذا مقنن، با تجویز تهاتر میان مطالبات مقتول یا صاحب حق قصاص با فاضل دیه، زمینه اجرای قصاص را تسهیل نموده است. برابر ماده ۴۳۰ قانون: «در موارد لزوم پرداخت فاضل دیه، اگر مقتول یا صاحب حق قصاص طلبی از مرتکب داشته باشد، طلب مذکور با رضایت صاحب آن، هر چند بدون رضایت مرتکب، به عنوان فاضل دیه قابل محاسبه است.» همانگونه که ملاحظه می‌شود مطابق این ماده لازمه تهاتر، رضایت طلبکار فعلی اعلام گردیده هر چند جنایتکار رضایت نداشته باشد. برای مثال مجنی علیها مطالباتی از جانی داشته که با فوت او به عنوان ارث به زوج و والدینش رسیده است و زوج سهم الارث خود را به پدر و مادر می‌بخشد تا آنان بتوانند نسبت به استیفای حق قصاص خود مبادرت نمایند.

۵-۴. گذشت قاتل از فاضل دیه

دیگر راهکاری که در قانون مجازات اسلامی جدید برای فراهم شدن زمینه اجرای قصاص پیش بینی شده، گذشت محکوم علیه از فاضل دیه است. مطابق ماده ۴۳۱ این قانون: «فاضل دیه یا سهم پرداختی از شرکاء از دیه جنایت، متعلق به قصاص شونده است و او می‌تواند آن را به صاحب حق قصاص یا شرکای خود ببخشد و یا هر نوع تصرف مالکانه دیگری در آن انجام دهد، لکن اگر آن را دریافت کرده باشد و قصاص صورت نگیرد، باید آن را برگرداند.» همانطور که اشاره شد، فاضل دیه حسب مورد متعلق به قصاص شونده یا قصاص شوندگان است. بنابراین آنان می‌توانند آن گونه که خود می‌خواهند در مورد آن تصمیم‌گیری کنند. برای مثال حسب مورد آن را به ولی یا اولیای دم یا شریک یا شرکای خود (در جنایت) ببخشند یا پرداخت آن را به بعد از قصاص موکول کنند. برای مثال هرگاه دو نفر مشترکاً ثالثی را به قتل رسانند، اولیای دم می‌توانند تنها یکی از آنان را قصاص کنند؛ در این صورت شریک دیگر موظف است سهم خود را از دیه جنایت به قصاص شونده بپردازد. در اینجا قصاص شونده می‌تواند آن را به شریک خود ببخشد. همانطور که ملاحظه می‌شود در قسمت اخیر ماده مورد بحث، صرفاً موضوع صلح فاضل دیه یا سهم پرداختی از شرکاء از دیه جنایت به مجنی علیه یا اولیای دم مطرح شده و از اشاره به موافقت محکوم علیه به پرداخت آن بعد از اجرای قصاص خودداری شده است؛ در حالی که اجازه مقتض منه به پرداخت فاضل دیه پس از اجرای قصاص، می‌تواند به عنوان یکی دیگر از راهکارهای تسهیل و تسریع اجرای قصاص مورد توجه قرار گیرد.

۶-۴. اسقاط حق قصاص

گزینه دیگری که خارج از مباحث قصاص مطرح شده موضوع ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. مطابق این ماده «در تعدد جرائم موجب حد و قصاص،

مجازات ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است...» معهذا چنانچه قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه بوده و صاحب حق قصاص در مهلت مقرر، «بدون عذر موجه یا به علت ناتوانی در پرداخت فاضل دیه» یا به جهات دیگر (موضوع ماده ۴۲۹ این قانون) از پرداخت آن استنکاف نموده و نه تنها اجرای فوری قصاص را مطالبه ننماید بلکه عملاً اجرای قصاص را به تأخیر اندازد، حق قصاص ساقط و حد اجرا می‌شود. در این مورد ماده سابق الذکر در ادامه مقرر می‌دارد: «در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود» بدیهی است با اجرای حد، متعلق قصاص از بین رفته و خود بخود ساقط می‌گردد. البته باید توجه داشت این موضوع اختصاص به قصاص نفس نداشته، در قصاص عضو نیز ممکن است مصداق یابد. برای مثال هرگاه قصاص دست با حد قطع ید در سرقت حدی یا محاربه جمع شود چنانچه قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه بوده و جانی علی رغم تمکن مالی بدون عذر موجه از پرداخت آن خودداری کند، با اجرای حد قطع، حق قصاص (دست) ساقط می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

قصاص، به مفهوم برابری جنایات و مکافات. لزوم برابری قصاص و جنایت از یک سو و عدم برابری ارزش (اعتباری) جانی و مجنی علیه در برخی موارد همچون قتل زن توسط مرد از سوی دیگر، بیش از پیش پرداخت فاضل دیه را برای ایجاد موازنه مزبور ایجاد می‌نماید. لزوم پرداخت نصف دیه (کامله) از سوی اولیای زن به قاتل (مرد) آنهم قبل از اجرای قصاص، همواره با مشکلات مادی و معنوی عدیده ای همراه بوده است. گاه به جهت سنگینی میزان دیه، ولی دم از تمکن مالی لازم برخوردار نبوده و گاه به جهت پاره ای اعتقادات، علی رغم توانائی مالی، حاضر به تمکین از آن نبوده است. در این خصوص، قوانین مجازات اسلامی فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته اند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای برون رفت از مشکلات یادشده، اغلب با عبور از قول مشهور فقهای امامیه، گام‌های بلندی را برداشته و حسب مورد، راهکارهای مناسبی را در قالب تخییر میان قصاص (با پرداخت فاضل دیه) یا مطالبه دیه، پرداخت مابه التفاوت دیه از بیت المال، گذشت جانی از فاضل دیه، محاسبه فاضل دیه از محل مطالبات مقتول یا صاحب حق قصاص، آزاد سازی قاتل از زندان با اخذ تأمین مالی مناسب از او و ... پیش بینی نموده است. تدابیر موصوف اقدامات مؤثری در راستای تسهیل استیفای حق قصاص و پیشگیری از اسقاط و از بین رفتن آن و همچنین زدودن شبهه ناکارآمدی احکام اسلام بوده و گام‌های اساسی (به جلو) محسوب می‌گردند. با این وجود، قانون مذکور نیز با نقائصی همراه است که در راستای تکمیل اقدامات اصلاحی انجام یافته با استظهار به مباحث پیشین پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:

اول، با تفصیل میان عدم تمکن مالی ولی دم با عدم تمکین او، در صورتی که عدم

پرداخت فاضل دیه ناشی از عدم تمکن مالی ولی دم باشد، اما احتمال جدی بر دارا شدن او وجود داشته و به علاوه جانی نیز با پرداخت فاضل دیه پس از اجرای قصاص موافقت داشته باشد، پرداخت فاضل دیه به بعد از اجرای آن موکول گردد؛ زیرا فاضل دیه متعلق به قصاص شونده است و او می‌تواند هر طور که بخواهد در مورد آن تصمیم‌گیری نماید؛ همانگونه که می‌تواند آن را ببخشد، می‌تواند عنداللزوم با اخذ تضمینات لازم پرداخت آن را به بعد از اجرای قصاص موکول سازد. علی‌ای‌حال اجازه مقتص منه به پرداخت فاضل دیه پس از اجرای قصاص، خود می‌تواند به عنوان یکی دیگر از راهکارهای تسهیل و تسریع اجرای قصاص مورد توجه مقنن قرار گیرد.

دوم، در صورت عدم تمکین ولی دم از پرداخت فاضل دیه - علی‌رغم توانائی مالی - با تعیین مهلت معقول از وی خواسته شود نسبت به تعیین تکلیف پرونده اقدام کند؛ یا فاضل دیه را بپردازد و جانی را قصاص کند یا دیه بگیرد؛ در غیر این صورت، پس از پایان مهلت مقرر، حق قصاص او به دیه تبدیل و جانی با تودیع آن به صندوق دولت آزاد شود. نتیجه این حکم این است که شبهه ناکارآمدی احکام اسلامی از میان رفته و به علاوه ولی دم نمی‌تواند پس از آزادی محکوم علیه، خودسرانه و بدون رعایت ترتیبات قانونی نسبت به قصاص جانی مبادرت کند.

سوم - امروزه صندوق تأمین خسارت‌های بدنی وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، موضوع ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶، مسؤولیت پرداخت بخشی از دیه از جمله تفاضل دیه غیر مردان (زنان) را تا سقف دیه مردان (موضوع تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) برعهده گرفته است. با توجه به بزه دیدگی اولیای دم در جنایات عمدی، پرداخت فاضل دیه از صندوق مذکور یا صندوق‌های مشابه برای

فراهم ساختن زمینه اجرای قصاص، در مواردی که اولیای دم از تمکن مالی برخوردار نیستند می‌تواند به عنوان یک راه حل اساسی مورد توجه قرار گیرد. همانگونه که دیدیم مستندات فقهی و روایی نیز مؤید پیشنهادات مطروحه می‌باشند.

منابع

۱. ابن ادریس، محمد (۱۴۱۱)، کتاب السرائر، ج ۳، چ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. ابن فهدحلی، احمد (۱۴۱۳)، المهذب البارع فی شرح مختصرالنافع، ج ۵، چ اول، قم، مؤسسه النشرالاسلامی.
۳. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰)، المقنعه، چ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. صانعی، یوسف (۱۳۸۲)، فقهاالتقلین (کتاب القصاص)، چ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰)، ارشادالاذهان، ج ۲، چ اول، قم، مؤسسه النشر اسلامی.
۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، بی چا، قم، منشورات الرضی.
۷. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۸)، مختلف الشیعہ مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ، ج ۹، چ اول، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸. عوده، عبدالقادر (۱۴۱۳)، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، چ دوازدهم، بیروت، مؤسسه الرساله.
۹. فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۹)، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ج ۴، چ اول، قم، المطبعه العلمیه.
۱۰. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۳۶۴)، مجمع المسائل، ج ۳، چ اول، قم، مؤسسه دار القرآن الکریم.
۱۱. گنجینه استفتائات قضایی، لوح فشرده، مرکز تحقیقات قوه قضائیه.
۱۲. مدنی کاشانی، آقا رضا (۱۴۱۰)، کتاب القصاص، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. الجزیری، عبدالرحمن (بی تا)، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، چ اول، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۱۴. تبریزی، میرزا جواد (۱۴۱۹)، کتاب القصاص، چ اول، قم، کتابخانه میرزا جواد تبریزی.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن (بی تا)، وسائل الشیعہ، ج ۱۹، چ اول، بیروت، داراحیاءالتراث العربی.

۱۶. خمینی، روح الله الموسوی (بی تا) تحریر الوسیله، ج ۲، چ اول، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸)، المبسوط فی الفقه الامامیه، ج ۷، چ سوم، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، کتاب الخلاف، ج ۵، چ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۹. عامر، عبدالعزیز (۱۳۷۷)، التعزیر فی الشریعه الاسلامیه، چ سوم، قاهره، شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي و اولاده.
۲۰. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۰۷)، تفصیل الشریعه (کتاب القصاص)، چ اول، قم، المطبعه العلمیه قم.
۲۱. فخرالمحققین، محمد (۱۳۸۹)، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، ج ۴، چ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. محقق حلّی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، شرایع الاسلام، ج ۴، چ دوم، بیروت، دارالاضواء.
۲۳. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۵)، القصاص، چ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۴. مرعشی، محمد حسن (۱۳۷۵)، تقریرات درس فقه دوره دکتری، دانشگاه تهران.
۲۵. مقدس اردبیلی، مولی احمد (۱۴۱۶)، مجمع الفائده والبرهان، ج ۱۳، چ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۶. مکی عاملی، محمد (شهید اول) (بی تا)، القواعد والفوائد، ج ۲، بی چا قم، منشورات مکتبه المفید.
۲۷. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، چ دوم، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۲۸. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷)، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، بی چا، بیروت، دارالزهراء.
۲۹. مجموعه بنخسنامه های قوه قضاییه ۱۳۶۸-۱۳۸۱ (۱۳۸۲)، چ اول، قم، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه مرکز تحقیقات فقهی.
۳۰. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۷۴)، جواهرالکلام، ج ۴۲، چ چهارم، قم، دارالکتب الاسلامیه.